



نقش اتحادیه اروپا در ناامنی‌های اروپای مرکزی و شرقی در دوران پساکمونیستی



دکتر علی صباغیان* - راج دیپ سینگ**

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

کشورهای اروپای مرکزی و شرقی پس از تجربه چند دهه‌ای کمونیسم، مسیر خود را از سال ۱۹۸۹ با چرخش نئولیبرال آغاز کردند. در این میان، اتحادیه اروپا با مفهوم بازگشت به اروپا در میان مردم و دولت‌مردان این منطقه از جذابیت خاصی برخوردار بود. درحالی که مسئله امنیت در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در زمان کمونیسم، بیشتر در ارتباط با خطر نظامی بود، پس از فروپاشی کمونیسم و اتحاد جماهیر شوروی، نوع مسئله امنیتی برای کشورهای اروپای مرکزی و شرقی تغییر یافته است. این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که اتحادیه اروپا چه نقشی را در مسئله امنیت در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی پساکمونیستی بازی می‌کند؟ برای پاسخگویی به این پرسش، فرض پژوهش آن است که اتحادیه اروپا در قالب یک بلوک تاریخی نئولیبرال، مسائل امنیتی ویژه‌ای را برای کشورهای یادشده ایجاد نموده است. در این پژوهش از روش کیفی و تحلیل آمار در داخل چارچوب نظری نئوگراشی برای بررسی سؤال مطرح‌شده، استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که در نتیجه سازوکارهای متنوع بلوک نئولیبرال اتحادیه اروپا کشورهای اروپای مرکزی و شرقی امروز با مسئله امنیت در بعد اقتصادی (در نتیجه اقتصادی سرمایه‌داری وابسته)، سیاسی (وابستگی سیاسی)، انسانی (همچون فرار مغزها و مهاجرت) و فرهنگی و اجتماعی (همچون اختلافات قومی و جذب نخبگان در پروژه نئولیبرال) مواجه شده‌اند.

کلیدواژگان

نئولیبرالیسم؛ نئوگراشی؛ کشورهای اروپای مرکزی و شرقی؛ اتحادیه اروپا؛ مسئله امنیت

* نویسنده مسئول، استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران. / ایمیل: sabbaghian@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری مطالعات اروپای دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

تحولات اخیر اوکراین که با عملیات نظامی ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ روسیه در اوکراین آغاز شد، این انتظار را ایجاد کرده بود که کشورهای اروپای مرکزی و شرقی که پس از فروپاشی کمونیسم پس از دوران گذار از اقتصاد هدایت‌شده مرکزی به اقتصاد بازار به عضویت اتحادیه اروپا درآمده بودند، با وجود تهدید مشترک روسیه موضع مشابه دیگر کشورهای اتحادیه اروپا اتخاذ کنند. علی‌رغم چنین انتظاراتی، ما شاهد موضع‌گیری‌های متفاوت این کشورها و حتی انتقاد بعضی از آن‌ها همچون لهستان و مجارستان از اعضای غربی اتحادیه اروپا بودیم. به گونه‌ای که نخست‌وزیر لهستان، کشورهای اروپای غربی را به خودخواهی در قبال اتخاذ تحریم‌ها علیه روسیه متهم کرد و هر دو قدرت غربی اتحادیه اروپا (آلمان و فرانسه) را متهم به نزدیکی و جانب‌داری از روسیه کرد. در حقیقت، میزان انتقادات لهستان بیش از آنکه متوجه روسیه باشد، معطوف به اروپای غربی و رهبران آلمان و فرانسه است. در مقابل، گروهی دیگر از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، به رهبری مجارستان، تحولات در اوکراین را معطوف به آن کشور دانستند و حاضر به اتخاذ تدابیر سخت‌تر و افزایش تحریم‌ها علیه روسیه نشدند.

مجارستان در مقابل فشارهای غرب روسیه را به صورت تهدیدی علیه خود نمی‌داند و به طور آشکار موضعی نرم و گاهی برخلاف اعضای غربی اتحادیه اخذ کرده است. در مقابل، کشورهای اروپای غربی نیز همچنان بر انتقادات خود مرتبط با روند دموکراتیک کشورهای اروپای مرکزی و شرقی اضافه می‌کنند، به نحوی که امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، با انتقاد از نخست‌وزیر لهستان، او را نماینده جبهه راست افراطی معرفی و به مداخله در انتخابات فرانسه متهم کرد. بنابراین، ما در حوادث اخیر در اوکراین شاهد درک متفاوتی از تهدید در میان کشورهای اروپای مرکزی و شرقی هستیم و به نظر می‌رسد که مسئله امنیت با عبور از امنیتی دانستن صرف روسیه (به عنوان خلف اتحاد جماهیر شوروی) در اروپای مرکزی و شرقی دارای ابعاد جدید سیاسی، اقتصادی، انسانی، و اجتماعی شده است. در واقع، وابستگی اقتصادی شدید این کشورها به شرکت‌های اروپای غربی، مهاجرت گسترده و پدیده فرار مغزها، وابستگی سیاسی احزاب حاکم به کمیسیون و تصمیمات قدرت‌های بزرگ اروپای غربی (به رهبری آلمان و فرانسه) نمونه‌هایی از تهدیدات جدید امنیتی متوجه این کشورها هستند.

با توجه به نقش اصلی اتحادیه اروپا در دوران گذار اقتصادی و سیاسی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی که با تحمیل شرطی‌سازی و افزایش تدریجی و مرحله‌ای شروط دریافت کمک‌های مالی و اقتصادی و درنهایت پیوستن به اتحادیه اروپا همراه بود، این مقاله درصد پاسخ‌گویی به این پرسش است که حرکت کشورهای اروپای شرقی و مرکزی به سمت سیاست‌های نئولیبرال تحت هدایت اتحادیه اروپا چه پیامدهای امنیتی برای این کشورها به دنبال داشته است؟

مقاله با این فرض به بررسی موضوع می‌پردازد که اتحادیه اروپا در قالب یک بلوک تاریخی نئولیبرال، مسائل امنیتی ویژه‌ای را برای کشورهای اروپای شرقی و مرکزی ایجاد کرده و مشکلات و تهدیداتی در زمینه امنیت اقتصادی، سیاسی و انسانی این کشورها به وجود آورده است. در این پژوهش از روش کیفی و تحلیل آمار برای بررسی سؤال مطرح شده، استفاده شده است. در بخش‌های بعدی، ابتدا کارهای پژوهشی مرتبط در بخش پیشینه بررسی می‌شوند، سپس نظریه نئوگراشی به‌عنوان چارچوب نظریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت، و در نهایت با تبیین مسئله امنیت در اروپای مرکزی و شرقی پساکمونستی نقش اتحادیه اروپا در این زمینه بررسی خواهد شد.

۱- پیشینه

در مقاله «چرا نئولیبرالیسم در جهان پساکمونستی پیروز شد و ادامه یافت؟» هیلاری اپل^۱ و میچل اورنشتاین^۲ (۲۰۱۶) به بررسی علل پیدایش و ادامه نئولیبرالیسم در کشورهای اروپای شرقی و پساکمونستی علی‌رغم پیش‌بینی‌های اولیه مبنی بر عقب‌گرد نئولیبرالیسم می‌پردازد و از عطش رقابتی کشورهای اروپایی پساکمونستی برای ادغام در بازار جهانی و وجود اجماع درباره موفق بودن رشد اقتصادی از طریق جذب سرمایه خارجی به‌عنوان علل اصلی حرکت این کشورها به سمت اتخاذ سیاست‌های نئولیبرال یاد می‌کند (Appel & Orenstein, 2016).

تفاوت پژوهش حاضر با مقاله یادشده در این است که ما در این پژوهش مشخصاً به بررسی تغییر نوع مسئله امنیت در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و ارتباط آن با پیاده‌سازی برنامه‌های اتحادیه اروپا خواهیم پرداخت. در مقاله «کار، خانواده، سرزمین پدری: اقتصاد سیاسی پوپولیسم در اروپای مرکزی و شرقی»، به بررسی نقش سیاست‌های نئولیبرال پیاده شده در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی از زمان آغاز فرایند عضویت در اتحادیه اروپا و رشد احزاب پوپولیست و پذیرش سرمایه از کشورهای آسیایی، به‌عنوان واکنشی به سیاست‌های نئولیبرال اروپای غربی، پرداخته شده است (Orenstein & Bugarič, 2022).

البته در پژوهش حاضر، برخلاف مقاله یادشده، به چرایی تغییر نوع مسئله امنیت در این کشورها که با ظهور احزاب و سیاست‌های پوپولیست مرتبط هست، پرداخته شده است. در مقاله «پویایی متحول منطقه‌گرایی در اروپای مرکزی و شرقی: ابتکار سه دریا»، تحولات در بلوک‌بندی‌های جدید در اروپای مرکزی و شرقی که خود را در ابتکاراتی چون سه دریا (به‌منظور اجرای طرح‌های زیربنایی اتصال دریای بالتیک، سیاه، و آدریاتیک) نمایان می‌سازند، به‌عنوان تلاش در جهت ایجاد تغییرات در درون اتحادیه اروپا ارزیابی شده‌اند (Grgic, 2021). البته در پژوهش کنونی به تأثیرات

¹. Hillary Appel

². Mitchel Orenstein

اتحادیه اروپا در تغییر نوع مسائل امنیتی در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و ایجاد چنین ابتکاراتی به‌عنوان پاسخ به تهدیدات جدید امنیتی پرداخته می‌شود. در این میان، گروهی دیگر از کارهای پژوهشی به اثرات سرریز نهادی کمک‌های اتحادیه اروپا در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه،

در مقاله «صندوق‌های اروپایی در اروپای مرکزی و شرقی: محرک‌های تغییر یا تنها نقل و انتقالات مالی؟ ارزیابی تأثیر کمک‌های اروپایی بر توسعه محلی و ملی در بلغارستان و رومانی»، مراحل اجرایی به‌منظور جذب منابع صندوق‌های مالی اتحادیه اروپا را در زمینه انتقال نهادها و رویه‌های اتحادیه اروپا مهم و به‌عنوان یک الگو برای دیگر بخش‌های جامعه در رومانی و بلغارستان مؤثر ارزیابی نموده است (Surubaru, 2021). البته در پژوهش حاضر، به تهدیدات جدید امنیتی که ناشی از ادغام نهادها و رویه‌های اتحادیه اروپا هست، پرداخته خواهد شد. نوآوری این مقاله نسبت به مقالات دیگر در آن است که به پویایی متحول مسئله امنیت در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی (تحول بنیادی در نوع تهدیدات امنیتی) و ارتباط این تحولات با اتحادیه اروپا در درون چارچوب نظری نئوگراشی می‌پردازد.

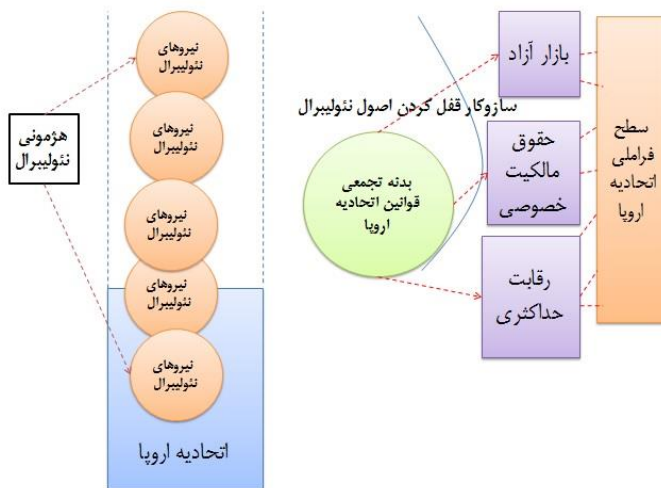
۲- چارچوب نظری

چارچوب نظری مورداستفاده در این پژوهش نظریه نئوگراشی است. نظریه نئوگراشی از آراء و نظرات آنتونیو گرامشی^۱ و بسط آن‌ها به سطح بین‌الملل توسط رابرت کاکس نشأت گرفته است. گرامشی مفهوم دولت را به‌صورت یک مجتمع دولت-جامعه ریشه در جامعه اجتماعی و ناشی از فرایند دیالکتیک اجبار و اقناع در نظر می‌گیرد که در آن طبقه حاکم هم به دنبال تسلط بر جامعه و هم جلب رضایت آن است (Dell, 2022). در این میان، رابرت کاکس با مفاهیمی همچون هژمونی، بلوک تاریخی و جنگ موقعیت‌ها نظریه روابط بین‌الملل نئوگراشی را تبیین کرد (Bo, 2018). مفهوم بلوک تاریخی به شرایطی ارجاع می‌شود که در آن نیروهای اجتماعی حاکم در یک بافت ملی مشخص با نیروهای اجتماعی مدعی رقیب نوعی رابطه- که بسیار فراتر از یک ائتلاف سیاسی است- برقرار می‌کنند که در پرتو آن گروه حاکم به دنبال یافتن منافع مشترک طبقات مختلف در کل جامعه است. در بلوک تاریخی، گروه حاکم با فراهم آوردن ایده‌ها، منابع اقتصادی و نهادها به یارگیری از میان گروه‌های دیگر و طبقات مختلف جامعه می‌پردازد (Bieler & Morton, 2004:91). در این میان، جنگ موقعیت‌ها به مفهوم تاریخی قرارگیری نیروهای اجتماعی به‌منظور ایجاد یک قدرت استراتژیک اشاره دارد که در آن نیروهای اجتماعی به همسوسازی جبهه نهادی،

^۱. Antonio Gramsci

فرهنگی و گفتمانی دست می‌زنند و قدرت طبقه قالب در درون مجتمع دولت-جامعه پخش می‌شود (Muhr, 2021). در ارتباط با همسوسازی نیروهای اجتماعی، ما به مفهوم دیگری یعنی نخبگان ارگانیک باید پردازیم که هدایت فرهنگی جامعه را به دست می‌گیرند و ایده‌های را که در راستای درک خاصی از روابط اجتماعی و سیاسی است، در درون جامعه در جنگ فرصت‌ها پخش کنند (Lydon, 2020).

ایجاد بلوک تاریخی نیاز به هژمونی طبقاتی دارد و در نتیجه پدیده‌ای ملی است؛ بنابراین هژمونی گرامشی هم از طریق ایجاد بلوک تاریخی و همبستگی اجتماعی دارای بعد داخلی است و هم می‌تواند از طریق بسط سبک تولید-که بازتولید جنبه معنوی مثل ارزش‌ها را هم در بر می‌گیرد- جنبه فراملی بیابد و هژمونی را در سطح جهانی حاکم کند (Morton & Bieler, 2004). در چارچوب هژمونی نئوگرامشی کاکس، ایدئولوژی نئولیبرال که دارای انعطاف‌پذیری بالایی است و از سادگی و قابل فهم بودن اصول آن و حمایت نخبگان اقتصادی سود می‌برد، از قدرت جذب بالایی برخوردار است و به صورت یک هژمون به جذب و یارگیری از میان دیگر عناصر- حتی نیروهای رقیب می‌پردازد. شکل ۱ ساختار کلی عمل پروژه هژمونی اتحادیه اروپایی را نشان می‌دهد.



شکل ۱. ساختار هژمونی اتحادیه اروپا

Figure 1. Structure of Hegemony in the European Union

Source: (Morton & Bieler, 2004)

^۱. Cooptation

در واقع اتحادیه اروپا از طریق ترویج رویکردهای نئولیبرال در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی سعی کرده تا یک بلوک هژمونی نئولیبرال ایجاد کند و از طریق آن به پیشبرد اهداف و منافع خود بپردازد. جدول ۱ مفروضه‌های نظریه ذکر شده را با توجه به مسئله امنیت در اروپای مرکزی و شرقی ارائه می‌کند.

| تهديدات | حوزه تحولات | سازوکار جنگ موقعیت‌ها | هسته نئولیبرال بلوک هژمون |
|------------------------|--|--|-------------------------------|
| امنیت اجتماعی و فرهنگی | نخبگان ملی و محلی؛ سیستم آموزش عالی | سازوکار دوسطحی نخبگان؛ یارگیری از میان نخبگان | بازتولید ایده‌ها |
| امنیت اقتصادی | اقتصاد سرمایه‌داری وابسته | ترویج رقابت حداکثری، بازار آزاد و حقوق مالکیت خصوصی | بازتولید سبک تولید |
| امنیت سیاسی | شرطی‌سازی و وابستگی سیاسی | اروپایی‌سازی و وابستگی متقابل ابزارها | بازتولید هنجارها و ارزش‌ها |
| امنیت انسانی | تضعیف اقلیت‌های قومی و دینی | دگرسازی | بازتولید هویت |

جدول ۱: مفروضه‌های نظریه و مسئله امنیت در اروپای مرکزی و شرقی

Table 1. Assumptions of the theory and security issue in Central and Eastern Europe

Source: (Morton & Bieler, 2004; Bo, 2018)

آن‌طوری که در جدول ۱ نشان داده شده است، هسته نئولیبرال در اروپای غربی در قالب بازتولید سبک تولید با آزادسازی اقتصادی و ترویج رقابت حداکثری کنترل اقتصادی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی را در دست گرفته است و این کشورها با تهدید امنیت اقتصادی ناشی از اقتصاد وابسته سرمایه‌داری ایجاد شده روبه‌رو هستند. از سوی دیگر، هسته نئولیبرال با ایجاد تحولات در حوزه آموزش عالی و سازوکار دوسطحی نخبگان به جذب نخبگان در درون بلوک نئولیبرال پرداخته است که در نتیجه آن، کشورهای منطقه با تهدیدات اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو شده‌اند. در حوزه سیاسی، در نتیجه اقدامات بلوک هژمون - با استفاده از سازوکار اروپایی‌سازی و همچنین پیوند حوزه‌ای میان برنامه‌های مختلف بلوک نئولیبرال در اروپای مرکزی و شرقی - کشورهای منطقه با شرطی‌سازی و وابستگی سیاسی و در نتیجه تهدید در حوزه امنیت سیاسی مواجه شده‌اند. در حوزه انسانی، این کشورها به علت دگرسازی بلوک هژمون به‌منظور بازتولید هویتی با تشدید اختلافات قومی و دینی و در نتیجه تهدیدات انسانی مواجه شده‌اند. در ادامه به بررسی هر یک از تهدیدات امنیتی ناشی از سازوکارهای بلوک هژمون در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی خواهیم پرداخت.

۳- امنیت سیاسی و اروپایی‌سازی بلوک هژمون

اگرچه اندیشمندان تعاریف و معانی مختلفی برای اصطلاح اروپایی‌سازی ارائه کرده‌اند، اما بزرگ‌ترین سیرت‌سیرمان به تعریف اروپایی‌سازی از سه منظر تاریخی، فرهنگی و سیاسی پرداخته است، اگرچه تمرکز اروپایی‌سازی سیاسی بر اتحادیه اروپا و فرایند گسترش اتحادیه اروپا معطوف بوده است. (صباغیان، ۱۳۹۸: ۹-۱۰)؛ (Sabbaghian, 2020: 9-10). فرانک شیمیل فینگ با تمرکز بر حکمرانی اروپایی^۱، اروپایی‌سازی را به هماهنگ‌سازی کشورها با قواعد، رویه‌ها، پارادایم‌های سیاسی، شبکه‌های زندگی و شیوه‌های انجام امور، باورها و الگوهای مشترکی (بعد سیاسی و سیاسی اتحادیه اروپا) معطوف کرده است (صباغیان، ۱۳۹۸: ۹-۱۰)؛ (Sabbaghian, 2020: 9-10). از دهه ۱۹۹۰ این رویکرد به خارج از مرزهای رسمی اتحادیه اروپا و اعمال حکمرانی اتحادیه اروپا بر بازیگران خارجی از طریق شکل‌گیری تریبالات نهادی برای ارتباط با کشورهای خارج از مرزهای رسمی اتحادیه اروپا مورد توجه قرار گرفت. در این فرایند اعضای اتحادیه برای پیشنهاد دادن و بارگذاری کردن سیاست‌های داخلی خود در سطح اتحادیه اروپا با یکدیگر رقابت می‌کنند و در نهایت سیاست پیشنهادی عضو پیروز برای دیگر اعضا الزامی می‌شود و در نتیجه، در چنین تعریفی از اروپایی‌شدن ما شاهد گذار ایده‌ها و رویه‌ها از مرکز (اروپای غربی) به منطقه حاشیه‌ای (اروپای مرکزی و شرقی) هستیم (Scott, 2021). در نتیجه، بسیاری این فرایند را یک‌سویه و به دو صورت سلبی^۲ و ایجابی^۳ می‌دانند؛ بخش ایجابی که مرتبط با بارگذاری افقی شیوه‌های اتحادیه میان اعضا است، یا به‌طور مستقیم با تشویق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و یا غیرمستقیم از طریق جذب مردم این جوامع، نوع سیاست‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای «اروپایی» را در این کشورها گسترش می‌دهد. در نوع سلبی که با بارگذاری عمودی و سلسله‌مراتبی مرتبط است، اروپایی‌شدن یک فرایند تنبیهی و تحریمی روابط بین اتحادیه اروپا و کشورهای اروپای مرکزی و شرقی است که منجر به پیاده‌شدن سیاست‌ها، هنجارها و ارزش‌ها و عناصر فرهنگی «اروپایی» در این کشورها می‌شود (Czulno, 2022).

از سوی دیگر، شرطی‌سازی پیوستن این کشورها به اتحادیه اروپا—در قالب برنامه مشارکت الحاق و برنامه فارآبرنامه کمک به تغییر ساختار اقتصادی لهستان و مجارستان)—در راهبرد الحاق، نمایانگر بخش سلبی اروپایی‌شدن برای کشورهای اروپای مرکزی و شرقی بود. در واقع، تفاوت

¹. Birgit Sittermann

². Frank Schimmelfennig

³. European governance

⁴. Negative

⁵. Positive

⁶. PHARE

اصلی اروپایی شدن در داخل اتحادیه اروپا با اروپایی شدن در قبال کشورهای اروپای مرکزی و شرقی را باید در نوع تصمیم‌گیری در درون کمیسیون دانست که در مورد کشورهای اروپای مرکزی و شرقی حق شرکت در کمیسیون را نداشتند و فرایندی غیر دموکراتیک بود.

۴- دیگر ابعاد امنیت در اروپا

۴-۱- پیوند متقابل زنجیره‌وار موضوعات و امنیت سیاسی

بلوک تاریخی نئولیبرال، با توجه به ماهیت هژمونی آن، از اقتناع و اجبار در یارگیری از میان نخبگان و جامعه و پیاده‌سازی اراده خود در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی از ساختار وابستگی متقابل زنجیره‌وار بین ابزارهای اتحادیه به‌منظور تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری مستقل سران منطقه (و جنگ موقعیت‌ها) استفاده می‌نماید. کمیسیون برای حل مسئله فقدان پایه قانونی برای مشارکت الحاق، از پیوند این برنامه با توافقی‌های اروپا، گزارش‌های منظم سالانه و تخمین پیشرفت در اجرای شاخص‌های سیاسی کپنهاگ و استراتژی گسترش اتحادیه استفاده کرد؛ بدین ترتیب که برنامه مشارکت الحاق، مشروط به رعایت شروط توافقی‌های اروپا شد (Janse, 2021).

بنابراین، با توجه به زنجیره‌ای از وابستگی متقابل پیچیده بین ابزارهای گوناگون اتحادیه برای ایجاد حکمرانی بازار محور در اروپای مرکزی و شرقی، مدل وابستگی متقابل ابزارهای اتحادیه ایجاد می‌شود. در واقع، وابستگی متقابل ابزارهای اتحادیه، در حکم جذب و یارگیری کلان دولتمردان و نخبگان کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در درون زنجیره به‌هم‌پیوسته بلوک تاریخی نئولیبرال و ابزار جنگ موقعیت‌ها ارزیابی می‌شود. شکستن یکی از حلقه‌های این زنجیره به معنای از دست رفتن کلیت آن بود و هزینه هنگفت سیاسی و اجتماعی از بین رفتن آرزوی بازگشت به اروپا را در پی داشت؛ در نتیجه رهبران و نخبگان اروپای مرکزی و شرقی توان مقابله با هیچ‌یک از دستورالعمل‌ها و پیشنهادها کمیسیون را نداشتند (قدرت سلبی). این وابستگی متقابل زمینه نظارت بر برنامه‌های مختلف را نیز شامل می‌شد؛ بدین ترتیب که بر روند اجرای مشارکت الحاق- توسط سازوکاری در درون توافق اروپا و همچنین پیوند زدن آن به نهادهای مالی همچون بانک اروپایی برای بازسازی و توسعه- نظارت می‌شد (Shields, 2020).

یک نمونه پیوند زدن موضوعات، برنامه جفت‌سازی است که کمیسیون آن را به‌عنوان ابزار اصلی برای آگاهی از تحولات نهادی، فرایند نظارت بر نهادسازی و همکاری با بازیگران داخلی در طراحی راه‌حل‌ها در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی از سال ۱۹۹۸ به اجرا گذاشت (Bruszt et al., 2020). از سوی دیگر، برنامه جفت‌سازی به‌طور مستقیم با آموزش نخبگان مرتبط بود و در

^۱. Twinning

واقع، نوعی یارگیری نخبگان محلی و ملی در دروند بلوک تاریخی محسوب می‌شد؛ در واقع، یکی از اهداف پیوند زدن برنامه مشارکت با پروژه‌های نهادهای مالی اروپایی و بین‌المللی، استحکام جبهه هژمونی نئولیبرال اتحادیه و مشروعیت سازی در پیاده‌سازی اصلاحات گسترده مالی و اقتصادی در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی بود. از سوی دیگر، توافق‌های اروپا نیز در ادامه به محدودسازی بیشتر دولتمردان در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی انجامیدند و در آن‌ها مسئله آزادسازی اقتصاد برای ایجاد اقتصاد بازار محور مورد توجه قرار گرفت که همان پیوند بخش اقتصادی با سیاسی است. در واقع، بلوک سرمایه‌داری در اتحادیه اروپا، برای اطمینان از درازمدت بودن اصلاحات اقتصادی و بازگشت‌ناپذیر بودن آن‌ها (با توجه به خطر پوپولیسم برای بازگشت از سیاست‌های نئولیبرال) به پیوند زدن هر چه بیشتر برنامه‌ها و ابزارهای اتحادیه با نهادهای بین‌المللی مالی و اقتصادی دست زد.

۴-۲- امنیت اجتماعی و جذب نخبگان: سازوکار دوسطحی نخبگان

جذب نخبگان در درون بلوک تاریخی نئولیبرال اتحادیه از اهمیت بالایی برخوردار است. این امر خود را در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به دو صورت نشان می‌دهد: اروپایی شدن نخبگان محلی و ملی؛ تغییرات نظام آموزش عالی. اروپایی شدن نخبگان در اینجا به معنای داشتن سه ویژگی اصلی است که عبارت‌اند از: «داشتن دانش کافی در مورد فعالیت‌های اتحادیه اروپا و ارتباط آن با حوزه عملکردی؛ داشتن درک خوب از ماهیت اتحادیه اروپا؛ بازتعریف خود با اتحادیه اروپا و فعالیت‌های آن (Hughes et al., 2004: 146). در واقع، نخبگان با کسب دانش تخصصی حقوقی و نئولیبرال که توسط اتحادیه اروپا در درون برنامه‌های مختلف ارتباطاتی و دانشگاهی فراهم می‌شود، به انباشت قدرت در درون احزاب داخلی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به پشتوانه دانش تخصصی نئولیبرال پرداختند (Geva, 2021).

سازوکار جذب نخبگان اتحادیه اروپا در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به‌عنوان سازوکار «دوسطحی نخبگان» معرفی می‌شود که در آن برنامه‌های ریاضت اقتصادی، خصوصی‌سازی گسترده و کاهش سرمایه‌گذاری در بخش بهداشت، همگی در سطح نخبگان ملی به‌منظور پیشبرد آسان و سریع‌تر اهداف اتحادیه اروپا اجرا می‌شوند (Hughes et al., 2004). در مقابل، نخبگان محلی، با شرکت در برنامه‌های مختلف همچون برنامه کمک لهستان و مجارستان برای بازسازی اقتصادی (فار)، جفت‌سازی، برنامه بازدید گسترده از نهادهای اتحادیه از نوعی یادگیری محدود از اتحادیه اروپا و هویت اروپایی بهره‌مند می‌شوند؛ تأکید اتحادیه اروپا بر اهمیت حکومت چند سطحی و اعطای بیشتر اختیارات به مناطق همگی در جهت بازتعریف نخبگان محلی از خود متناسب با هویت منطقه‌ای و اروپایی خود هستند و اتحادیه موفقیت در تغییرات نهادی را وابسته به یادگیری نخبگان

¹. Two-tier Elite Structure

سطوح محلی می‌داند (Paraskevopoulos, 2016). از سوی دیگر، به دلیل آشنایی کم نخبگان محلی از سازوکارهای یک‌سویه تصمیم‌گیری کمیسیون در مورد کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، نوع نگاه نخبگان محلی به پروژه اتحادیه اروپا مثبت بوده و تنها در حوزه فرهنگی و منطقه‌ای تعریف می‌شود (Hughes et al., 2004).

در حقیقت، بلوک نئولیبرال اتحادیه با اجرای سازوکار «دوسطحی نخبگان» در جهت ایجاد نگاهی مثبت به اتحادیه و بازتعریف جامعه با هویت اروپایی و در قالب اجرای «اروپایی شدن»، ایجاد هرگونه مخالفت با برنامه‌های اتحادیه اروپا در سطوح محلی را از بین می‌برد. نخبگان محلی که خود نقش بسزایی در شکل دادن نگاه جامعه محلی به اتحادیه و برنامه‌های آن دارند، بدین ترتیب، در درون بلوک هژمون جذب می‌گردند و در راستای منافع بلوک نئولیبرال عمل می‌کنند. این سازوکار امکان متوقف شدن پروژه‌های کلان اتحادیه اروپا را در سطوح منطقه‌ای را از بین می‌برد و با همکاری غیرمستقیم نخبگان در مرحله اجرایی پروژه‌های نئولیبرال اتحادیه اروپا، سازوکاری اطمینان‌بخشی را برای سرمایه‌گذاران اروپای غربی بلوک هژمون فراهم می‌کند.

۴-۳- امنیت فرهنگی و جذب نخبگان: سیستم آموزش عالی

پس از دوران کمونیسم در اروپای مرکزی و شرقی، تغییرات عمده‌ای در نظام آموزش عالی در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی پساکمونیستی مدنظر بودند که شامل موارد ذیل هستند: تمرکز بر استقلال آموزش عالی و دانشگاه‌ها در مقابل وابستگی کامل مراکز علمی در زمان کمونیسم؛ آموزش فراگیر و عادلانه در مقابل آموزش مخصوص نخبگان و گروه‌های وابسته به حزب کمونیست در دوران کمونیسم؛ گسترش وسیع مراکز آموزشی خصوصی (Gawlicz & Starnawski, 2018).

علاوه بر این، تحولات کلان‌تر خارج از حوزه آموزش عالی همچون تحولات فرهنگی، سیاسی و مقابله با پوپولیسم در اتحادیه اروپا، منجر به تحولات در نظام آموزش عالی در بلوک هژمون شده است که این تحولات از هسته مرکزی بلوک هژمون به کشورهای حاشیه‌ای اروپای مرکزی و شرقی تسری یافته است (صباغیان، ۱۳۹۸، ب: ۲۳۳-۲۳۵)؛ (Sabbaghian, 2019).

درعین حال، کمیسیون اروپا که از سال ۲۰۰۳ در کادر مدیریتی فرآیند بولونیا قرار گرفت، در جهت یکپارچه‌سازی به‌منظور رقابت حداکثری و بازار محور، به طراحی و پیاده کردن یکپارچه‌سازی آموزش عالی، پذیرش واحدهای آموزشی اعضاء در داخل اتحادیه اروپا، امکان تحصیل در دیگر کشورها در قالب برنامه اراسموس، دست زد (Dakowska, 2017). بلوک تاریخی نئولیبرال نهادهای مختلفی را از جمله برنامه‌های چارچوب پژوهش اتحادیه اروپا، منطقه پژوهش

¹. EU research Framework Program (FP)

اتحادیه اروپا ایجاد کرد و هزینه کرد صندوق‌های ساختاری اتحادیه را در بخش آموزشی متناسب با استراتژی لیسبون بازتعریف کرد و مفهوم ممتاز بودن^۲ در چارچوب استراتژی لیسبون به‌عنوان بخشی از گفتار نئولیبرال در حوزه آموزش عالی به کار گرفته شد (Antonowicz et al, 2017:554-557).

با توجه به طراحی استراتژی لیسبون و شرطی‌سازی دریافت منابع آن توسط عناصر اصلی بلوک نئولیبرال و ضعف دستگاه سیاست‌گذاری اروپای مرکزی و شرقی، این کشورها در عمل به تقلید از اکثریت بلوک نئولیبرال، یا به اصطلاح هم‌ریختی^۳، به پیاده‌سازی مفهوم ممتاز بودن در داخل نظام آموزش عالی خود پرداختند و شرطی‌سازی را، از طریق یادگیری اجتماعی نخبگان از بلوک نئولیبرال، در سیاست داخلی خود پیاده نمودند.

۴-۴- امنیت اقتصادی و اقتصاد سرمایه‌داری وابسته

امنیت اقتصادی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی با اجرا گذاشتن شرایط برنامه مشارکت الحاق و برنامه‌های مالی اتحادیه نظیر فار به شدت دچار تهدید شده است؛ از ۲ نوع مدل رایج اقتصادی که توسط هال و سوسکیس معرفی شدند، مدل اقتصادی این کشورها نه اقتصاد بازار لیبرال است (به علت فقدان نظام‌های مالی داخلی قدرتمند) و نه از نوع اقتصاد بازار هماهنگ شده است (با توجه به عدم سازوکار هماهنگی بین شرکت‌ها و سندیکا‌های کارگری).

در واقع، بر اساس تعاریف جدید، این نوع اقتصاد از نوع سرمایه‌داری وابسته است که با ویژگی‌هایی همچون سطح نوآوری پایین، تولیدکننده کالاهای نیمه ساخته و خام، نیروی انسانی بامهارت و ارزان همراه است و منافع بلوک تاریخی نئولیبرال و شرکت‌ها و صنایع چندملیتی کشورهای اروپای غربی را تأمین می‌کنند (Myant, 2018).

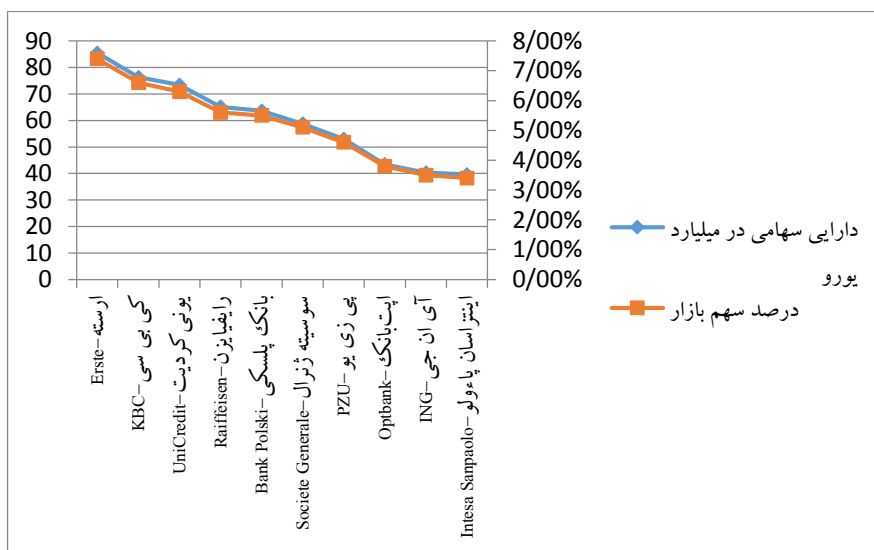
شکل ۲ ده بانک با بیشترین سهم بازار در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی را در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد. در واقع، امروزه ویژگی اصلی سیستم بانکی در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی نقش اصلی بانک‌های اروپای غربی و تضعیف بانک‌های داخلی است، به گونه‌ای که حتی بانک‌های چینی هم به دنبال تصاحب بخشی از بازار بانکی در منطقه هستند (Gál & Kovács, 2017).

درعین حال، روند رشد تجمعی سرمایه‌گذاری خارجی در اروپای مرکزی و شرقی از سال ۱۹۹۰ و پایان دوران کمونیسیم، هم‌زمان با خصوصی‌سازی گسترده در این کشورها به منظور ایجاد زنجیره تولید در بلوک نئولیبرال به شدت افزایش یافته است (شکل ۳).

¹. EU research area

². Excellence

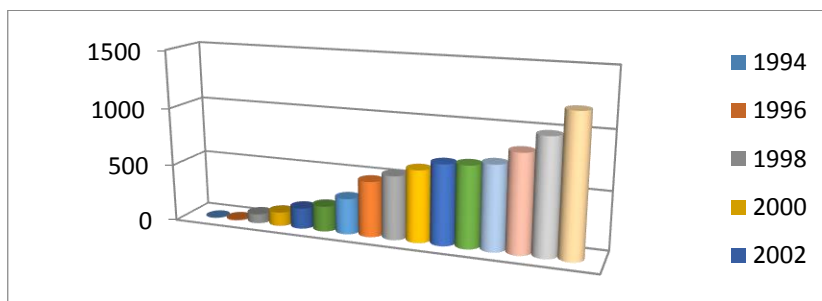
³. Isomorphism



شکل ۲. ۱۰ بانک با بیشترین سهم بازار در اروپای مرکزی و شرقی در سال ۲۰۱۷

Figure2. 10 banks with the highest share of the market in Central and Eastern Europe in 2017

Source: (Inteliace Research, 2017)



شکل ۳. روند رشد تجمعی سرمایه‌گذاری خارجی در اروپای مرکزی و شرقی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ در میلیارد دلار

Figure3. Trend of the accumulative foreign investment in Central and Eastern Europe in 1990-2020 (in USD billion)

Source: (Jirasavetakul & Rahman, 2018; World Bank, 2022)

بخش تحقیق و توسعه در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی با توجه به سیاست‌های بودجه‌ای محدودکننده نئولیبرال و حضور آن‌ها در جایگاه پایین زنجیره تولید نئولیبرال ضعیف شده است. به گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۸، درحالی که درصد هزینه کرد بخش تحقیق و توسعه نسبت به تولید ناخالص داخلی در اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا، چین و کره جنوبی به ترتیب ۲,۷۹، ۲,۱۵ و ۴,۵۵ درصد بوده است، در اروپای مرکزی و شرقی این میزان به‌سختی از یک درصد فراتر رفته است و به میزان ۱,۰۸ درصد رسیده است (World Bank, 2022b).

۴-۶- دگرسازی و برنامه‌های اقتصادی: امنیت انسانی

امنیت انسانی نیز از دیگر مواردی است که توسط بلوک تاریخی نئولیبرال اتحادیه درخطر قرار گرفته است. امنیت انسانی که اولین بار در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ سازمان ملل مطرح شد، برخلاف امنیت نظامی دولت-محور، امنیت انسانی معطوف به شهروندان و مردم محور است و بر اساس تقسیمات باجپای^۱ در «امنیت انسانی: مفهوم و سنجش»^۲ شامل تهدیدات مستقیم (همچون برده‌داری و قاچاق زنان و تروریسم) و هم شامل تهدیدات غیرمستقیم (همچون بیماری‌های عفونی، مهاجرت، نابرابری، پناهندگان) هست (صبایان، ۱۳۹۲: ۱۰۳-۱۰۶)؛ (Sabbaghian, 2014: 103-106). در واقع، بلوک تاریخی نئولیبرال با مشخص کردن برنامه‌های اقتصادی قابل اجرا در چارچوب برنامه‌های مشارکت الحاق و در نتیجه انضباط مالی و بودجه‌ای حداکثری، خصوصی‌سازی گسترده در تمامی بخش‌ها، از جمله بخش خدمات و درمان، منجر به کاهش گسترده سهم آموزش عالی، بهداشت و درمان و خدمات بازنشستگی در این کشورها شد که امنیت انسانی را مورد هدف قرار دادند.

از سوی دیگر، با توجه به عقب‌نشینی دولت و جذب نخبگان در درون بلوک تاریخی نئولیبرال، شکاف‌های قومی و اقلیتی در این کشورها بزرگ‌تر شدند. دگرسازی در قالب گفت‌وگوهای خودی و نا خودی از سوی کمیسیون اروپا (و در نتیجه افزایش ملی‌گرایی) منجر به تشدید فشارها به جمعیت قابل توجه روما^۳ در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی پس از پیوستن آن‌ها به اتحادیه اروپا شده است و جداسازی تحصیلی کودکان روما از دیگر کودکان در جمهوری چک، مجارستان و دیگر کشورهای منطقه، تهدید امنیت انسانی و اختلافات قومی را در میان کشورهای اروپایی بیشتر کرده است (Farkas, 2014: 6-8).

در این میان، تلاش بلوک تاریخی نئولیبرال برای ایجاد هویت مشترک از طریق دگرسازی، تهدیدات انسانی زیادی را به بار آورده است. اتحادیه دو مسیر تدافعی و تهاجمی را در این ارتباط

^۱. K.P. Bajpai

^۲. Human security: concept and measurement

^۳. Roma population

اتخاذ کرده است که عبارت‌اند از: ایجاد دشمن مشترک خارجی (اسلام و همسایگان اتحادیه در جنوب سواحل مدیترانه)؛ بسط ارزش‌های اروپای. چنین رویکردی به ایجاد هویت مشترک برای بلوک تاریخی نئولیبرال اتحادیه اروپا کمک می‌کند زیرا اتحادیه اروپا با داشتن زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف در جنگ موقعیت‌ها نیاز به برساختن هویت مشترک برای بسیج جامعه اروپایی حول پروژه اتحادیه اروپا دارد (ممدوحی و سینگ، ۱۳۹۹)؛ (Mamdouhi & Singh, 2020). کمسیون در این مسیر، به‌منظور کوچک نشان دادن اختلافات داخلی (فرهنگی، زبانی و ملیتی) سرچشمه مشکلات را به خارج مرزها و اقلیت‌ها ارتباط می‌دهد. افزایش ملی‌گرایی و رشد گروه‌های راست افراطی، از سوی دیگر، مجدداً امنیت انسانی گروه‌های اقلیت و همچنین گروه‌های ضعیف جامعه را در درون کشورهای اروپای مرکزی و شرقی تهدید می‌کنند.

از سوی دیگر، مهاجرت گسترده از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، پس از پیوستن به اتحادیه اروپا، منجر به پدید آمدن مشکلات وسیع برای خانوارهای مهاجران شده است (Lupas, 2018:140). از یک‌سو، در اکثر موارد فرزندان به‌دوراز والدین هستند و از لحاظ آموزشی دچار مشکلات زیادی می‌شوند؛ از سوی دیگر، جذب کردن نخبگان ملی، سازوکار دوسطحی نخبگان و اصلاحات نئولیبرال بلوک تاریخی اتحادیه منجر به بیکاری عمده در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی — بدون وجود نظام قوی بیمه بیکاری — و در نتیجه مهاجرت گسترده نیروی کار از این کشورها به اروپای غربی شده است (Ciocanescu, 2011:63-67). مهاجرت افراد جوان و توانا به خارج از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، موجب ایجاد مناطق و روستاهایی شده است که در آن‌ها نیروی کار مناسب برای راه‌اندازی اقتصاد منطقه‌ای وجود ندارد و تحلیل داده‌های جدید نشان می‌دهد که این امر تأثیر خنثی و حتی منفی بر رشد ناخالص داخلی کشورهای فرستنده نیروی کار در اروپای مرکزی و شرقی، علی‌رغم حواله‌های و کمک‌های مالی مهاجرین به سرزمین اصلی، گذاشته است و در اکثر موارد صادرات نیروی کار مربوط به شاغلین بوده است که در نتیجه نرخ بیکاری را در این کشورها افزایش داده است (Grabowska, 2021). در رومانی، در سال ۲۰۰۷، ۷ درصد جمعیت زیر ۱۸ سال حداقل شاهد مهاجرت یکی از والدین بود که در عمل امنیت اجتماعی این خانواده‌ها را تهدید می‌کرد (Lupas, 2018:140). در لهستان نیز اکثر مهاجرین افراد تحصیل‌کرده بوده‌اند. از سوی دیگر، مهاجرت فصلی و کوتاه‌مدت از ویژگی‌های نوع مهاجرت اروپای شرقی به غربی بوده است که در عمل منجر به کاهش پرداخت‌ها به مهاجرین و تهدید امنیت اقتصادی آن‌ها و عدم امکان استفاده از بیمه بیکاری در اروپای غربی شده است (Bobrowska, 2013:53-57). در واقع، بعضی از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی مانند رومانی «بیمار ناشی از مهاجرت» نامیده

¹. Bolnava de circulatie

می‌شوند که از همان زمان فروپاشی کمونیسم با مهاجرت غیرقانونی به اروپای غربی آغاز شد و پس از پیوستن به اتحادیه ساختار رسمی و قانونی به خود گرفت (Lupas, 2018:137). این شرایط همگی تهدیدکننده ساختار اجتماعی در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی هستند و امنیت انسانی امروز یکی از مهم‌ترین مسائل روبه‌روی کشورهای یادشده است.

نتیجه‌گیری

این مقاله با توجه به نقش اصلی اتحادیه اروپا در دوران گذار اقتصادی و سیاسی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در صد پاسخ‌گویی به این پرسش بود که حرکت کشورهای اروپای شرقی و مرکزی به سمت سیاست‌های نئولیبرال تحت هدایت اتحادیه اروپا چه پیامدهای امنیتی برای این کشورها به دنبال داشته است؟ مقاله در چارچوب مفهومی نئوگراشی و به صورت کیفی با این فرض به بررسی موضوع پرداخت که اتحادیه اروپا در قالب یک بلوک تاریخی نئولیبرال، مسائل امنیتی ویژه‌ای در زمینه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و انسانی به وجود آورده است. از یک سو، در نتیجه پروژه بلوک تاریخی نئولیبرال اتحادیه اروپا (فرایند الحاق به اتحادیه اروپا و اروپایی شدن) اقتصاد این کشورها به اقتصاد سرمایه‌داری وابسته تبدیل شده است و این وابستگی شدید به اروپای غربی و شرکت‌های چندملیتی اروپای غربی، در عمل امنیت اقتصادی و سیاسی این کشورها را به شدت تهدید می‌کند؛ به گونه‌ای که امکان تصمیم‌گیری مستقل برای آن‌ها، با توجه به فشار و قدرت تصمیم‌گیری شرکت‌ها و صنایع اروپای غربی بلوک نئولیبرال، بسیار محدود شده است. از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که بلوک نئولیبرال اتحادیه اروپا با استفاده از سازوکار وابستگی متقابل ابزارهای الحاق، نوع اقتصاد و ساختار سیاسی این کشورها را کاملاً کنترل کرده است. ایجاد ساختار دوسطحی نخبگان برای ایجاد رقابت و جذب نخبگان، از دیگر سازوکارهای اتحادیه برای پیشبرد منافع بلوک نئولیبرال در این کشورها بوده است. در عین حال، نتایج پژوهش حاضر تهدیدات امنیتی از نوع انسانی نیز بر پیچیدگی مسئله امنیت در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی افزوده است. فرار مغزها، نسبت بسیار پایین محققین به نیروی کار در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و مهاجرت کوتاه‌مدت به اروپای غربی، هم تهدید امنیت اقتصادی در داخل شهرهای خالی شده از نیروی کار و هم مسئله امنیت اجتماعی خانوارهای مهاجران را به بار آورده‌اند. از سوی دیگر، سیاست‌های نئولیبرال اتحادیه و عقب‌گرد دولت و کاهش کمک‌های دولتی در این کشورها، موجب اختلافات شدید قومی شده است و اقلیت‌های مسلمان و روما در این میان بیشترین صدمه را متحمل شده‌اند.

منابع فارسی

۱. صباغیان، علی. (۱۳۹۲). امنیت انسانی و دفاع همه‌جانبه. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۶(۶۲)،

۸۹-۱۱۸

۲. صباغیان، علی. (۱۳۹۸). قدرت هنجاری و اروپایی‌سازی کشورهای اسلامی جنوب و شرق مدیترانه از طریق سیاست همسایگی اتحادیه اروپا. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۸(۴)، ۱-۲۲. 10.30479/psiw.2020.11311.2606
۳. صباغیان، علی (۱۳۹۸ ب). الزامات و پیامدهای تحول حکمرانی آموزش عالی در اروپا. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۵(۲)، ۲۴۷-۲۲۹. 10.22059/ppolicy.2019.72279
۴. ممدوحی، رضا و سینگ، راج دیپ (۱۳۹۹). نقاط جدید استراتژیک در اروپا: تحولات و راهبردها. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۳ (۸۷)، ۱۸۵-۱۷۹.

English References

1. Antonowicz D., Kohoutek J., Pinheiro R. & Hladchenko, M. (2017). The Roads of 'Excellence' In Central and Eastern Europe. *European Educational Research Journal*, 16(5): 547-567. 10.1177/1474904116683186
2. Appel, H., & Orenstein, M. A. (2016). Why Did Neoliberalism Triumph and Endure in The Post-Communist World? *Comparative Politics*, 48 (3), 313-331. 10.5129/001041516818254419.
3. Bieler A. & Morton, A. D. (2004). A Critical Theory Route to Hegemony, World Order and Historical Change: Neogramscian Perspectives in International Relations. *Capital Class*, 82, 85-113. 10.1177/030981680408200106
4. Bo, P. (2018). China, Global Governance, and Hegemony: Neo-Gramscian Perspective in The World Order. *Journal of China and International Relations*, 6(1), 48-72. <https://journals.aau.dk/index.php/jcir/article/download/2363/1878>
5. Bobrowska, A. (2013). Migracje Polaków Po Przystąpieniu Do Unii Europejskiej. *Colloquium Wydziału Nauk Humanistycznych I Społecznych*, 2, 49-64 (In Polish). At: <https://www.colloquium.elsite.eu/images/numery/X/AB.pdf>
6. Boyadjieva, P. (2017). Invisible Higher Education: Higher Education Institutions from Central and Eastern Europe In Global Rankings. *European Educational Research Journal*, 16(5): 529-546. 10.1177/1474904116681016
7. Bruszt, L., Lundstedt, L., & Munkacsi, Z. (2020). Collateral Benefit: The Developmental Effects of EU-Induced State Building in Central and Eastern Europe. *Review of International Political Economy*, 27(5), 1170-1191. 10.1080/09692290.2020.1729837

8. Ciocanescu, D. E. A, (2011). Migratia Externa: De La Tara De Origine România, La Tarile De Destinatie Din Spatiul Uniunii Europene–Scurta Analiza Pentru Anii 1998-2009. *Revista Romana De Statistica*, 7, 61-70 (In Romanian). At: [Www.Revistadestatistica.Ro/Wp-Content/Uploads/2014/02/RRS_7_2011_A6_Ro.Pdf](http://www.Revistadestatistica.Ro/Wp-Content/Uploads/2014/02/RRS_7_2011_A6_Ro.Pdf)
9. Czulno, P. (2022). German–Polish Transfers On Eastern Policy? Research Deficits, Europeanisation Inputs, Empirical Testing. *German Politics*, 1-22. Doi: 10.1080/09644008.2021.2020252
10. Dakowska, D. (2017). Competitive Universities? The Impact of International and European Trends On Academic Institutions in The “New Europe.” *European Educational Research Journal*, 16(5), 588–604. 10.1177/1474904116688024
11. Dell, A. C. (2022). Counter-Hegemony with No Outlet: A Neo-Gramscian Perspective On the Brexit Vote. *Lectio Socialis*, 6(1), 1-10. Doi: 10.47478/Lectio.1037206
12. Farkas, L. (2014). Report On Discrimination of Roma Children in Education. Brussels: European Commission, Directorate-General for Justice. At: <https://www.tandis.odhr.pl/bitstream/20.500.12389/21933/1/08101.pdf>
13. Gál, Z., & Kovács, S. Z. (2017). The Role of Business and Finance Services in Central and Eastern Europe. *The Routledge Handbook to Regional Development in Central and Eastern Europe*, 47-65. 10.4324/9781315586137-4
14. Gawlicz, K., & Starnawski, M. (2018). Educational Policies in Central and Eastern Europe: Legacies of State Socialism, Modernization Aspirations and Challenges of Semi-Peripheral Contexts. *Policy Futures in Education*, 16(4), 385-397. 10.1177/1478210318777415
15. Geva, D. (2021). Orbán’s Ordonationalism as Post-Neoliberal Hegemony. *Theory, Culture & Society*, 38(6), 71-93. Doi: 10.1177/0263276421999435
16. Grabowska, I. (2021). The 2004 EU Enlargement as an Outcome of Public Policies: The Impact Of Intra-EU Mobility On Central and Eastern European Sending Countries. *Social Policy and Society*, 20(2), 175-191. Doi:10.1017/S147474642000024X
17. Grgic, G. (2021). The Changing Dynamics of Regionalism in Central and Eastern Europe: The Case of The Three Seas Initiative. *Geopolitics*, 1-23. 10.1080/14650045.2021.1881489

18. Hughes, J., Sasse, G. & Gordon, C. (2004). *Europeanization and Regionalization In The EU's Enlargement To Central and Eastern Europe: The Myth Of Conditionality*. Basingstoke: Palgrave Macmillan. 10.1057/9780230503182
19. Inteliace Research (2017). Top 200 Banks In CEE. Retrieved At [Http://Www.Inteliace.Com/Files/2017/00156_List_Of_Top_200_Banks_In_CEE_2017ad.Pdf](http://www.inteliace.com/files/2017/00156_List_Of_Top_200_Banks_In_CEE_2017ad.pdf)
20. Janse, R. (2019). Is The European Commission A Credible Guardian of The Values? A Revisionist Account of the Copenhagen Political Criteria During the Big Bang Enlargement. *International Journal of Constitutional Law*, 17(1), 43-65. 10.1093/Icon/Moz009
21. Jirasavetakul, F. L. B., & Rahman, J. (2018). Foreign Direct Investment in New Member States of The EU and Western Balkans: Taking Stock and Assessing Prospects. *IMF Working Paper* 18/187, At 10.5089/9781484373323.001
22. Lupas, A. (2018). Efectele Migratiei in Societate Si Familie. *Comunicare, Cultură Și Societate*, 2, 135-143. at: [https://Trivent-Publishing.Eu/Triventvechi/Libri/Comunicare/14.%20Aurora%20Lupas.Pdf](https://triventpublishing.eu/triventvechi/libri/comunicare/14.%20Aurora%20Lupas.pdf)
23. Lydon, K. (2020). Gramsci in The Digital Age: Youtubers as New Organic Intellectuals. *The Graduate Review*, 34. [Https://Vc.Bridgew.Edu/Cgi/Viewcontent.Cgi?Article=1135&Context=Grad_Rev](https://vc.bridgew.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1135&context=grad_rev)
24. Myant, M. (2018). The Limits to Dependent Growth in East-Central Europe. *Revue De La Régulation. Capitalisme, Institutions, Pouvoirs*, (24), 10.4000/Regulation.13351
25. Muhr, T. (2021). Counter-Hegemonic Strategy from The Global South: A Pluri-Scalar War of Position. *Socialism and Democracy*, 1-27. 10.1080/08854300.2021.1994295
26. Orenstein, M. A., & Bugaric, B. (2022). Work, Family, Fatherland: The Political Economy of Populism In Central and Eastern Europe. *Journal of European Public Policy*, 29(2), 176-195. 10.1080/13501763.2020.1832557
27. Paraskevopoulos, C. J. (2016). EU Enlargement and Multi-Level Governance in European Public Policy-Making: Actors, Institutions and Learning. In *Adapting to EU Multi-Level Governance* (3-24). Routledge. 10.4324/9781315263359-1
28. Sandford, A. (2022, April 7). Ukraine War: Macron Slams Morawiecki for 'Unfounded, Scandalous' Criticism of Putin Dialogue. *Euronews*.

- <https://www.euronews.com/2022/04/07/Ukraine-War-Macron-Slams-Morawiecki-For-Unfounded-Scandalous-Criticism-Of-Putin-Dialogue>
29. Scott, J. W. (2021). Visegrád Four Political Regionalism as A Critical Reflection of Europeanization: Deciphering The “Illiberal Turn”. *Eurasian Geography and Economics*, 1-22. 10.1080/15387216.2021.1972023
 30. Shields, S. (2020). The EBRD, Fail Forward Neoliberalism and the Construction of the European Periphery. *The Economic and Labour Relations Review*, 31(2), 1-31. 10.1177/1035304620916652
 31. Surubaru, N. C. (2021). European Funds in Central and Eastern Europe: Drivers of Change or Mere Funding Transfers? Evaluating The Impact of European Aid On National and Local Development in Bulgaria and Romania. *European Politics and Society*, 22(2), 203-221. 10.1080/23745118.2020.1729049
 32. Tarlea, S. (2015). *Dependency and Development in Central and Eastern Europe's New Capitalist Systems*. Dphil Thesis, University of Oxford, UK. at: https://ora.ox.ac.uk/objects/uuid:3c19d342-029b-4a57-bded-6517488aaaf0/Download_File?File_Format=Pdf&Safe_Filename=Starlea_Thesis_July_2017.Pdf&Type_Of_Work=Thesis
 33. Tarlea, S. (2017). Higher Education Governance in Central and Eastern Europe: A Perspective On Hungary and Poland. *European Educational Research Journal*, 16: 5, 670-683. 10.1177/1474904116677756
 34. World Bank. (2022). Foreign Direct Investment, Net Inflows (Bop, Current US\$). *World Bank*, April 6 at https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.CD.WD?End=2017&Most_Recent_Value_Desc=True&Start=2000
 35. World Bank. (2022b). Research and Development Expenditure (% Of GDP). *World Bank*, April 6 at <https://data.worldbank.org/indicator/GB.XPD.RSDV.GD.ZS>

Translated References to English

1. Antonowicz D., Kohoutek J., Pinheiro R. & Hladchenko, M. (2017). The Roads of ‘Excellence’ In Central and Eastern Europe. *European Educational Research Journal*, 16(5): 547-567. 10.1177/1474904116683186

2. Appel, H., & Orenstein, M. A. (2016). Why Did Neoliberalism Triumph and Endure in The Post-Communist World? *Comparative Politics*, 48 (3), 313–331. 10.5129/001041516818254419.
3. Bieler A. & Morton, A. D. (2004). A Critical Theory Route to Hegemony, World Order and Historical Change: Neogramscian Perspectives in International Relations. *Capital Class*, 82, 85-113. 10.1177/030981680408200106
4. Bo, P. (2018). China, Global Governance, and Hegemony: Neo-Gramscian Perspective in The World Order. *Journal of China and International Relations*, 6(1), 48-72. <https://journals.aau.dk/index.php/jcir/article/download/2363/1878>
5. Bobrowska, A. (2013). Migracje Polaków Po Przystąpieniu Do Unii Europejskiej. *Colloquium Wydziału Nauk Humanistycznych I Społecznych*, 2, 49-64 (In Polish). At: <https://www.colloquium.elsite.eu/images/numery/x/ab.pdf>
6. Boyadjieva, P. (2017). Invisible Higher Education: Higher Education Institutions from Central and Eastern Europe In Global Rankings. *European Educational Research Journal*, 16(5): 529–546. 10.1177/1474904116681016
7. Bruszt, L., Lundstedt, L., & Munkacsı, Z. (2020). Collateral Benefit: The Developmental Effects of EU-Induced State Building in Central and Eastern Europe. *Review of International Political Economy*, 27(5), 1170-1191. 10.1080/09692290.2020.1729837
8. Ciocanescu, D. E. A, (2011). Migratia Externa: De La Tara De Origine România, La Tarile De Destinatie Din Spatiul Uniunii Europene–Scurta Analiza Pentru Anii 1998-2009. *Revista Romana De Statistica*, 7, 61-70 (In Romanian). At: www.revistadestatistica.ro/wp-content/uploads/2014/02/RRS_7_2011_A6_Ro.Pdf
9. Czulno, P. (2022). German–Polish Transfers On Eastern Policy? Research Deficits, Europeanisation Inputs, Empirical Testing. *German Politics*, 1-22. Doi: 10.1080/09644008.2021.2020252
10. Dakowska, D. (2017). Competitive Universities? The Impact of International and European Trends On Academic Institutions In The “New Europe.” *European Educational Research Journal*, 16(5), 588–604. 10.1177/1474904116688024
11. Dell, A. C. (2022). Counter-Hegemony with No Outlet: A Neo-Gramscian Perspective On the Brexit Vote. *Lectio Socialis*, 6(1), 1-10. Doi: 10.47478/Lectio.1037206

12. Farkas, L. (2014). Report On Discrimination Of Roma Children In Education. Brussels: European Commission, Directorate-General for Justice. At: <https://www.tandis.odhr.pl/bitstream/20.500.12389/21933/1/08101.pdf>
13. Gál, Z., & Kovács, S. Z. (2017). The Role of Business and Finance Services in Central and Eastern Europe. *The Routledge Handbook to Regional Development in Central and Eastern Europe*, 47-65. 10.4324/9781315586137-4
14. Gawlicz, K., & Starnawski, M. (2018). Educational Policies in Central and Eastern Europe: Legacies of State Socialism, Modernization Aspirations and Challenges of Semi-Peripheral Contexts. *Policy Futures in Education*, 16(4), 385-397. 10.1177/1478210318777415
15. Geva, D. (2021). Orbán's Ordonationalism as Post-Neoliberal Hegemony. *Theory, Culture & Society*, 38(6), 71-93. Doi: 10.1177/0263276421999435
16. Grabowska, I. (2021). The 2004 EU Enlargement as an Outcome of Public Policies: The Impact Of Intra-EU Mobility On Central and Eastern European Sending Countries. *Social Policy and Society*, 20(2), 175-191. Doi:10.1017/S147474642000024X
17. Grgic, G. (2021). The Changing Dynamics of Regionalism in Central and Eastern Europe: The Case of The Three Seas Initiative. *Geopolitics*, 1-23. 10.1080/14650045.2021.1881489
18. Hughes, J., Sasse, G. & Gordon, C. (2004). *Europeanization and Regionalization In The EU's Enlargement To Central and Eastern Europe: The Myth Of Conditionality*. Basingstoke: Palgrave Macmillan. 10.1057/9780230503182
19. Inteliace Research (2017). Top 200 Banks In CEE. Retrieved At http://www.inteliace.com/files/2017/00156_list_of_top_200_banks_in_CEE_2017ad.pdf
20. Janse, R. (2019). Is The European Commission A Credible Guardian of The Values? A Revisionist Account of the Copenhagen Political Criteria During the Big Bang Enlargement. *International Journal of Constitutional Law*, 17(1), 43-65. 10.1093/icon/moz009
21. Jirasavetakul, F. L. B., & Rahman, J. (2018). Foreign Direct Investment in New Member States of The EU and Western Balkans: Taking Stock and Assessing Prospects. *IMF Working Paper* 18/187, At 10.5089/9781484373323.001

22. Lupas, A. (2018). Efectele Migratiei in Societate Si Familie. *Comunicare, Cultură Și Societate*, 2, 135-143. at: <https://Trivent-Publishing.Eu/Triventvechi/Libri/Comunicare/14.%20Aurora%20Lupas.Pdf>
23. Lydon, K. (2020). Gramsci in The Digital Age: Youtubers as New Organic Intellectuals. *The Graduate Review*, 34. https://Vc.Bridgew.Edu/Cgi/Viewcontent.Cgi?Article=1135&Context=Grad_Rev
24. Mamdouhi, R. & Singh, R. (2020). New Strategic Points in Europe: Developments and Strategies. *Strategic Studies Quarterly*, 23 (87), 179-185. **(In Persian)**
25. Myant, M. (2018). The Limits to Dependent Growth in East-Central Europe. *Revue De La Régulation. Capitalisme, Institutions, Pouvoirs*, (24), 10.4000/Regulation.13351
26. Muhr, T. (2021). Counter-Hegemonic Strategy from The Global South: A Pluri-Scalar War of Position. *Socialism and Democracy*, 1-27. 10.1080/08854300.2021.1994295
27. Orenstein, M. A., & Bugaric, B. (2022). Work, Family, Fatherland: The Political Economy of Populism In Central and Eastern Europe. *Journal of European Public Policy*, 29(2), 176-195. 10.1080/13501763.2020.1832557
28. Paraskevopoulos, C. J. (2016). EU Enlargement and Multi-Level Governance in European Public Policy-Making: Actors, Institutions and Learning. In *Adapting to EU Multi-Level Governance* (3-24). Routledge. 10.4324/9781315263359-1
29. Sabbaghian, A. (2014). Human Security and Comprehensive Defense. *Strategic Studies Quarterly*, 16 (62), 89-118. At: http://Quarterly.Risstudies.Org/Article_6066_Eb577451eecf76e6bc20cc7b6bcc202d.Pdf **(In Persian)**
30. Sabbaghian, A. (2019). Requirements and Consequences of Governance Transformation of Higher Education in Europe. *Public Policy Quarterly*, 5 (2), 229-247. 10.22059/Ppolicy.2019.72279 **(In Persian)**
31. Sabbaghian, A. (2020). Normative Power and Europeanization of the Islamic Countries of The Southern and Eastern Mediterranean Through The European Neighborhood Policy. *Political Studies of the Islamic World*, 8 (4), 1-22. 10.30479/Psiw.2020.11311.2606 **(In Persian)**
32. Sandford, A. (2022, April 7). Ukraine War: Macron Slams Morawiecki for 'Unfounded, Scandalous' Criticism of Putin Dialogue. *Euronews*.

- <https://Www.Euronews.Com/2022/04/07/Ukraine-War-Macron-Slams-Morawiecki-For-Unfounded-Scandalous-Criticism-Of-Putin-Dialogue>
33. Scott, J. W. (2021). Visegrád Four Political Regionalism as A Critical Reflection of Europeanization: Deciphering The “Illiberal Turn”. *Eurasian Geography and Economics*, 1-22. 10.1080/15387216.2021.1972023
 34. Shields, S. (2020). The EBRD, Fail Forward Neoliberalism and the Construction of the European Periphery. *The Economic and Labour Relations Review*, 31(2), 1-31. 10.1177/1035304620916652
 35. Surubaru, N. C. (2021). European Funds in Central and Eastern Europe: Drivers of Change or Mere Funding Transfers? Evaluating The Impact of European Aid On National and Local Development in Bulgaria and Romania. *European Politics and Society*, 22(2), 203-221. 10.1080/23745118.2020.1729049
 36. Tarlea, S. (2015). *Dependency and Development in Central and Eastern Europe's New Capitalist Systems*. Dphil Thesis, University of Oxford, UK. at: https://Ora.Ox.Ac.Uk/Objects/Uuid:3c19d342-029b-4a57-Bded-65f7488aaaf0/Download_File?File_Format=Pdf&Safe_Filename=Starlea_Thesis_July_2017.Pdf&Type_Of_Work=Thesis
 37. Tarlea, S. (2017). Higher Education Governance in Central and Eastern Europe: A Perspective On Hungary and Poland. *European Educational Research Journal*, 16: 5, 670-683. 10.1177/1474904116677756
 38. World Bank. (2022). Foreign Direct Investment, Net Inflows (Bop, Current US\$). *World Bank*, April 6 at https://Data.Worldbank.Org/Indicator/BX.KLT.DINV.CD.WD?End=2017&Most_Recent_Value_Desc=True&Start=2000
 39. World Bank. (2022b). Research and Development Expenditure (% Of GDP). *World Bank*, April 6 at <https://Data.Worldbank.Org/Indicator/GB.XPD.RSDV.GD.ZS>

